

سیروسلوک

۶۲۵ - ۶۲۹

حال نیک یا رحمانی، با توبه خارج شود و از مقامات و منازل عرفانی، که به آنها کمالات باطنی نیز اطلاق می‌شود، عبور کند و به فنای در توحید، یعنی نفی اراده و خواست بشری در اراده و مشیت الهی برسد (ع نصرالدین طوسی، ص ۶۰۵؛ نیز ادامه مقاله).

دو واژه سیر و سلوک که در متون صوفیه گاه هرکدام به تنهایی و به جای یکدیگر به کار رفته‌اند، از نظر برخی عارفان اندک تفاوتی با هم دارند: سیر ناظر بر ترقی و تحول باطنی و معرفتی، و سلوک مشتمل بر التزام به اعمال جوارحی و ظاهری قلمداد شده‌است. بر این اساس، سلوک نوعی رفتار روشمند و باضابطه است که به دنبال خود نوعی شهود معنوی و معرفتی به بار می‌آورد که همان سیر انفسی به سوی کمال است. به این اعتبار، سلوک و سیر مکمل یکدیگرند. سیر مخصوص به باطن و سلوک مخصوص به ظاهر است و یکی بدون دیگری محقق و ممتنع نخواهد بود (ع عزالدین کاشانی، ص ۷۷؛ سیدحیدر آملی، ج ۱، ص ۲۶۸). اما به نظر می‌رسد اغلب صوفیان و عارفان میان این دو فرق نهاده‌اند، از جمله خواجه یوسف همدانی* که از سلوک ظاهری و باطنی یاد می‌کند و آن عبارت است از التزام سالک به شریعت و اجتناب از پیروی نفس*، و سعی در تصفیه دل و محو صفات ناپسند (ع غجدوانی، ص ۸۱). ابن عربی* (ج ۲، ص ۳۸۰) نیز سلوک را انتقال معنایی و صوری و علمی می‌داند: در معنا، انتقال از منزل عبادتی به منزل عبادتی دیگر، یعنی درک کامل تر عبادات؛ در صورت، انتقال از یک عمل مشروع به عمل دیگری که در جهت قرب الهی باشد؛ و در علم، انتقال از مقامی به مقامی دیگر و از اسمی الهی به اسمی دیگر و از یک تجلی حق به تجلی دیگر. به گفته عبدالرزاق کاشانی* (۱۳۷۹ ش، ص ۳۳۰) نیز سلوک در اصطلاح به معنی ترقی در مقامات قرب در فعل و حال و متحدساختن ظاهر و باطن به یاری مجاهده است.

اهل عرفان و تصوف تجربه‌های خویش را در سیروسلوک در قالب مراحل، منازل، مراتب، احوال و مقامات گوناگون تبیین می‌کردند و از مراحل متعدد سلوک و طی طریق به سوی حق با بیانهای متفاوت سخن می‌گفتند. به گفته انصاری در مقدمه منازل السائرین (ص ۳) ترتیب قاطعی نیز برای این مقامات و منازل به دست نداده‌اند (برای نمونه ع شکمی، ص ۳۹۴-۴۰۸؛ انصاری، ۱۹۶۲، ص ۱۱۰؛ روزبهان بقلی، ۱۹۷۳، ص ۲۰-۳۴؛ نسفی، ۱۳۵۹ ش، ص ۱۲۳؛ حال/ احوال*). افزون‌براین، عدد منازل و مراحل سیروسلوک در

documents of the Prodromos Monastery (Serres)", *Süd-Ost Forschungen München*, 30 (1971), p. 1-37.

/ او انجلیا بالتا، تلخیص از د.د.ترک /

سیروسلوک، عنوانی عام برای نظام فکری و تربیتی عرفان اسلامی. سیروسلوک اصطلاحی است که دلالت دارد بر فرایند و راهی که در عرفان اسلامی برای تصفیه باطن و مجاهدت با نفس و رسیدن به معرفت* و قرب الهی در نظر گرفته‌اند. این فرایند شامل آموزه‌های نظری و عملی است که از طریق آن سالک (طالب و رونده این راه) منازل و مراحل را پشت سر می‌گذارد و به احوال و مقاماتی نایل می‌گردد.

واژه سلوک که گاه به جای سیروسلوک به کار می‌رود، در قرآن به کار نرفته، اما صورتهای مختلف فعل «سَلَكَ» در قرآن آمده‌است (برای نمونه ع نحل: ۶۹۰؛ مؤمنون: ۲۷؛ طه: ۵۳). این واژه تا قرن چهارم در آثار صوفیانه نیست و احتمالاً نخستین بار در ترتیب السلوک قشیری (ص ۲۵) به کار رفته‌است (نیز ع د.اسلام، چاپ دوم، ذیل «سلوک»).

سلوک از مصدر سَلَك در لغت به معنی راه رفتن و راه سپردن است (زوزنی، ج ۱، ص ۳۶؛ ابن منظور، ذیل «سلک») و در اصطلاح، به تعبیر عزیزالدین کسفی* (۱۳۵۹ ش، ص ۱۱۹) «رفتن از جهل به علم، و از اخلاق بد به اخلاق نیک و از هستی خود به هستی خدا»، که با ملاحظه سه مفهوم شریعت*، طریقت* و حقیقت (حق و حقیقت*) می‌توان گفت از منظر اهل شریعت، سالک محصل و سلوک تحصیل است و از منظر اهل طریقت، سالک مجاهد و سلوک مجاهده، و از منظر اهل حقیقت، سالک نافی و مثبت و سلوک نفی و اثبات است، یعنی نفی وجود خود و اثبات حق تعالی (ع همانجا؛ مولوی، ج ۱، دفتر ۱، ابیات ۱۳۸۶-۱۳۸۹).

واژه سیر نیز در ترکیب سیروسلوک به معنای انتقال و جابه‌جایی است. عارفان می‌گویند «نحن مسیرون» و منظور از آن انتقال قلب از حالی به حالی یا از مقامی به مقامی دیگر است (سراج طوسی، ص ۳۶۵). اما ترکیب سیروسلوک احتمالاً از قرن ششم یا هفتم در میان اهل عرفان و تصوف رواج یافته‌است (ع عطار، ۱۳۸۳ ش، دفتر ۱، ص ۸۷؛ اسفراینی، ص ۱۲۰؛ خواجه‌ای کرمانی، ص ۲۷۷؛ حافظ، ج ۱، غزل ۳۵۲، بیت ۳؛ جامی، ص ۵۴۱). فلسفه سیروسلوک نزد صوفیه آن است که بنده یا سالک از حال بد یا نفسانی به

1. Evangelia Balta